

## اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر

### شهرستان نطنز

ستاره فخری علیائی<sup>۱</sup>، نرگس شجاع<sup>۲</sup>، دکتر احمد ابوحمزه<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی رشته روان‌شناسی و مشاوره، معلم رسمی مقطع ابتدایی، آموزش و پرورش شهر تهران

setare.fakhri24@gmail.com

۰۹۱۲۰۴۶۷۰۸۲

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد روانشناسی، معلم رسمی مقطع ابتدایی، آموزش و پرورش شهر نطنز

nargesshoja919@gmail.com

۰۹۱۳۴۶۱۰۱۸۰

<sup>۳</sup> استادیار، گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان

abohamzeh@cfu.ac.ir

۰۹۱۲۲۱۶۷۶۷۸

### چکیده

زمینه و هدف: هوش هیجانی مجموعه‌ای از قابلیت‌های غیرشناختی است که توانایی فرد را در سازگاری با مقتضیات محیطی و فشارهای حاصله افزایش می‌دهد، لذا هدف اصلی پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر شهرستان نطنز بود.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری این پژوهش دختران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهرستان نطنز بود که از بین ۳۰ نفر از آن‌ها ۱۵ نفر (گروه آزمایش)، ۱۵ نفر (گروه گواه)، از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه‌های پرخاشگری ب‌اس و پری (۱۹۹۲)، خودباوری اسمیت (۱۹۷۶)، اختلال سلوک اسپیرافکین و گادو (۱۹۸۴) استفاده گردید. فرضیه پژوهش از طریق آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری ( $P < 71/32F_{0/01}$ ) و اختلال سلوک از نظر والدین ( $P < 13/16F_{0/01}$ )، اختلال سلوک از نظر معلمین ( $P < 53/30F_{0/01}$ )، و خود باوری ( $P < 84/92F_{0/01}$ ) در نوجوانان دختر تأثیر دارد. همچنین آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم، خصومت، خود باوری، عزت نفس و کارآمدی شخصی تأثیر دارد. ( $P > 0/01$ ).

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که متغیرهای پژوهش توانسته‌اند هوش هیجانی را تبیین کنند. با استفاده از آموزش هوش هیجانی به دانش آموزانی که دارای اختلال هیجانی، رفتاری هستند می‌توان پرخاشگری و اختلال سلوک آن‌ها را کاهش، خودباوری آن‌ها را افزایش داد و در نهایت موجب افزایش کیفیت زندگی آن‌ها در تعامل با خانواده و اجتماع شد. در واقع این پژوهش هماهنگ با پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد، هوش هیجانی عاملی تأثیر گذار و تعیین کننده در موقعیت‌های زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه و تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی است.

کلیدواژه: هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری.

## ۱- مقدمه

نوجوانی یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی است. این دوره ی رشد سریع جسمی و تحولات عاطفی و روانی و دوره ی انتقال از کودکی به بزرگسالی است، به همین دلیل اکثر روانشناسان آن را دوره ی پر تنش و طوفان و دوران توانایی فوق العاده جسمی و عقلانی و عاطفی می دانند. سالهای نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می آید. در این دوره نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی و به خصوص تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجود خویشتن، و خود آگاهی انتخاب اهداف واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، حفظ تعادل روانی و عاطفی خویش در مقابل عوامل فشارزای زندگی و محیط و برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت های اجتماعی لازم در دوست یابی، شناخت زندگی سالم و مؤثر و چگونگی برخورداری از آن مهمترین نیازهای نوجوان می باشد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲).

زمانی نوجوانان می توانند نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی، مقابله با فشارهای زندگی و محیطی، برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت های اجتماعی برای سازگاری اجتماعی و فردی را در خود پرورش دهند که بتوانند به هیجانات و مدیریت و آگاهی هیجانی تمایز قائل شوند، گلمن (۱۹۹۹) معتقد است کسانی که بتوانند در تعاملات فردی و بین فردی از هیجانات خود در موقعیت مناسب و با آگاهی و شناخت و کنترل آن بهره برند کسانی هستند که از موفقیت و سازگاری بیشتری در روابط فردی و بین فردی برخوردارند. این در حالی است که هوش هیجانی که بر گرفته از شناخت و هیجانات افراد است می تواند بر رفتارهای پر خاشگرانه، تکانشی و کنترل خشم افراد اثر گذار باشد (محیط، ۱۳۹۲).

توجه به پر خاشگری به عنوان مهمترین نشانه ی سلامت روان از مباحثی است که در دهه های اخیر توجه بسیاری از جامعه شناسان، روانشناسان و به ویژه مربیان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. این در حالی است که دانش آموزان در سنین مدرسه از ناسازگاری های رفتاری رنج می برند و در این بین پر خاشگری شیوع بیشتری دارد (کیمیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

پر خاشگری به عنوان نوعی هیجان خشم، یکی از مهم ترین مشکلات نوجوانان در برقراری رابطه با دیگران است. هیجان خشم به طور گسترده ای به عنوان یک پدیده عمومی شناخته شده است. خشم یکی از هیجان های طبیعی انسان و موضوعی مهم و در خور توجه است که جایگاه خاصی در مؤلفه های هیجانی دارد. نقش خشم در روابط اجتماعی و اهمیت توجه به آن را آشکار می سازد. هر چند که عصبانیت احساسی طبیعی است، کاربرد به جای آن و تبدیل آن به خشمی مهار گسیخته یا پر خاشگری، موضوعی است که باید به آن توجه شود. خشم، خطرناک ترین هیجان است که هدف آن نابود کردن موانع در محیط است. تقریباً نیمی از رویدادهای خشم، فریاد کشیدن یا جیغ کشیدن را شامل می شود و نزدیک ۱۰٪ رویدادهای خشم به خشونت و پر خاشگری منجر می شود که مبنای آن هیجان خشم است. تحقیقات نشان داده که به کمک هوش هیجانی می توان هیجان ها را مدیریت و رفتار پر خاشگرانه را کاهش داد (شریفیان، ۱۳۹۴).

رحیمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی بیان کرد که آموزش هوش هیجانی بر اختلال سلوک تأثیر دارد (رحیمی، ۱۳۹۴). اختلال سلوک، الگوی پایدار و مداومی از رفتار که در آن حقوق اساسی دیگران یا موازین اجتماعی اخلاقی مطابق با سن یا قوانین زیر پا گذاشته می شود و حداقل ۶ ماه طول کشیده و در خلال آن برخی از علائم وجود دارد که عبارتند از: حملات قشقرق فراوان، مشاجره بزرگسالان، اغلب عصبانی یا دلخورند، کینه توز یا انتقام جو هستند، معمولاً دعوای جسمانی را شروع می کنند، اغلب به خاطر اشتباهات یا سوء رفتارهای خود دیگران را سرزنش می کنند، عمدتاً باعث تخریب اموال می شوند و برای دستیابی به کالاها یا منافع خود تعهدات را زیر پا می گذارند (سادوک و سادوک ترجمه رضایی، ۱۳۸۶).

مرتضوی (۱۳۸۹)، در پژوهشی بیان کرد که آموزش هوش هیجانی بر خود باوری تأثیر دارد (مرتضوی، ۱۳۸۹). مفهوم خودباوری به عنوان یک خصیصه روانشناختی که به صورت خودکارآمدی و خود کفایتی نیز ترجمه شده است، به باور فرد به توانایی های خود برای انجام موفقیت آمیز کارها و وظایف اشاره می کند. باندورا معتقد است که خودباوری برای تأثیر گذاری در محیط، مهم ترین مکانیزم روانشناختی است و بدون باور به ایجاد و تولید اثرات مطلوب و جلوگیری از اثرات نامطلوب، افراد انگیزه کمی برای عمل کردن دارند؛ یعنی باور به عمل از خود عمل مهم تری است. باور به قدرت ایجاد اثرهای مطلوب، زیر بنای هر گونه تحولی در بشر است (کریمی، ۱۳۸۵).

از نظر گلمن (۱۹۹۹) هوش هیجانی موضوعی است که از بررسی نتایج چندین تحقیق علمی بر روی هوش های مؤثر در زندگی انسان به دست آمده است. بررسی این نتایج حاکی از قابلیت هایی مانند همدلی، خوش بینی و تسلط به خود است که پیامدهای مهمی زندگی شخصی و اجتماعی، در خانواده، محل کار و دیگر صحنه های زندگی دارند؛ زیرا انسانی با پیامدهای انتخاب های خود زندگی می کند. بنابراین باید گفت نوجوانان با بحران های رشدی که با آن روبرو هستند از نظر خودباوری با مشکلاتی روبرو هستند و از این مهم می تواند به بروز رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود و از آن جا که عوامل مختلفی به خصوص هیجان و عواطف در پدید آیی و بروز این رفتارها نقش دارند به نظر می رسد هوش هیجانی بتواند بر این گونه رفتارها را تأثیر داشته باشد، لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر شهرستان نطنز خواهد بود. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر شهرستان نطنز تأثیر دارد؟

**هوش هیجانی:** هوش هیجانی به توانایی درک درس محیط، شناخت و کنترل احساسات خود و دیگران اشاره می کند. گلمن (۱۹۹۹)، هوش هیجانی را یک سازه کلی می داند که می تواند علت موفقیت فرد در جنبه های مختلف زندگی باشد. وی بیان می کند افرادی که احساسات خود را به نحوی کنترل می کنند و به طور مؤثری با دیگران رفتار می نمایند، زندگی پر محتواتر دارند. هم چنین افراد شاد، استعداد بیشتری در به دست آوردن اطلاعات دارند و بیشتر از افراد ناراحت از زندگی اثر بخشی برخوردارند (محمدی، ۱۳۹۶).

**پر خاشگری:** از نظر بآس و پری (۱۹۹۲) پر خاشگری به هر گونه رفتار معطوف به هدف آسیب رساندن یا مجروح ساختن موجودی دیگر که به منظور اجتناب از رفتار مشابه برانگیخته می شود اطلاق می گردد. پر خاشگری رفتاری است که به قصد آزار و آسیب رساندن به کسی باشد و از جنبه اجتماعی توجیه پذیر نباشد.

**اختلال سلوک:** الگوی رفتار مکرر و مداوم که به موجب آن حقوق اساسی دیگران یا هنجارها یا مقررات اجتماعی متناسب با سن نقض می شوند (سادوک سادک، ترجمه رضایی، ۱۳۸۶).

**خودباوری:** مفهوم خودباوری به عنوان یک خصیصه روانشناختی که به صورت خودکارآمدی و خود کفایتی نیز ترجمه شده است، به باور فرد به توانایی های خود برای انجام موفقیت آمیز کارها و وظایف اشاره می کند (کریمی، ۱۳۸۵).

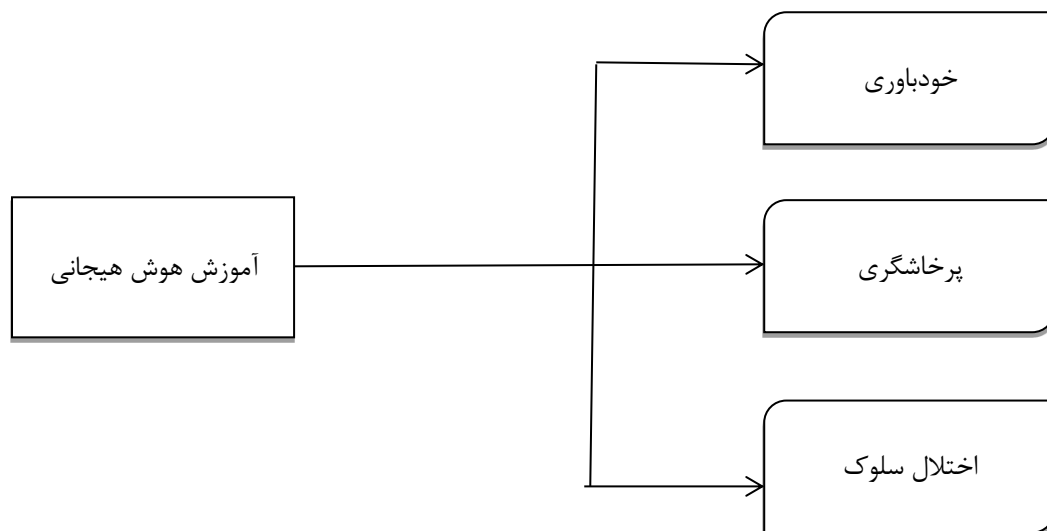
## ۲- روش تحقیق:

مقاله حاضر از نظر هدف کاربردی است. این پژوهش در دسته پژوهش های نیمه تجربی قرار می گیرد و طرح تحقیق به صورت دو گروهی است. گروه آزمایش و گروه گواه و شامل دو مرحله پیش آزمون پس آزمون می باشد. متغیر مستقل آموزش هوش هیجانی است که فقط در گروه آزمایش اعمال می شود و تأثیر آن بر نمرات پس آزمون گروه آزمایش نسبت به گروه گواه مورد مقایسه قرار می گیرد. سیمای کلی طرح پژوهش در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: سیمای کلی طرح پژوهش

گروه‌ها	پیش آزمون	متغیر مستقل	پس آزمون
گروه آزمایش	T1	X	T2
گروه گواه	T1	-	T2

جامعه آماری این پژوهش دختران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهرستان نطنز بود که از بین ۳۰ نفر از آن‌ها ۱۵ نفر (گروه آزمایش)، ۱۵ نفر (گروه گواه)، از طریق روش نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش نمونه‌گیری در این پژوهش شامل نمونه‌گیری در دسترس بوده به تعداد متناسب با حجم جامعه آماری انتخاب شدند. به این صورت که از بین مدارس شهرستان نطنز و در رده سنی ۱۵ تا ۱۸ ساله دو مدرسه انتخاب و از بین دو مدرسه ۳۰ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند.

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه بوده است. از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از جامعه آماری مورد مطالعه گردآوری شده و بر اساس آن به ارائه نتایج و راهکارهای تحقیق پرداخته می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است طرح پژوهشی از نوع پیش آزمون، پس آزمون با گروه گواه است. T1 و T2 به ترتیب نشان دهنده پیش آزمون و پس آزمون و X نشان دهنده متغیر مستقل است. پژوهشگر ابتدا از طریق آموزش و پرورش به مدارس دخترانه شهرستان نطنز معرفی می‌شود و با همکاری مسئولین محترم این مراکز نمونه‌گیری انجام شد. بدین صورت که از علاقمندان جهت شرکت در پژوهش دعوت به عمل خواهد آمد. در این پژوهش آزمودنی‌ها به صورت نمونه در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و

کنترل جایگزین خواهد شد. در هر گروه تعداد تعیین شده در اولین جلسه (معارفه) به پرسشنامه‌های پژوهش به صورت انفرادی پاسخ خواهند داد. تمام اطلاعات کسب شده در این مطالعه محرمانه بوده و به شرکت کنندگان این اطمینان داده خواهد شد که اطلاعات محرمانه و بی نام می باشد.

### ملاک‌های ورود

۱. دختران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله
۲. سکونت در شهرستان نطنز
۳. تمایل به شرکت در برنامه آموزشی

### ملاک‌های خروج

۱. شرکت در برنامه‌های آموزشی دیگر
۲. غیبت بیش از دو جلسه در دوره آموزشی
۳. بروز مشکلات اخلاقی در طی جلسات

### طرح درمانی

برنامه آموزش هوش هیجانی مورد استفاده در پژوهش حاضر، بر اساس الگوی **مایر** و سالووی (۱۹۹۷) در ۱۶ جلسه طراحی شده و هر جلسه حدود نود دقیقه بود.

#### الف) پرسشنامه پرخاشگری:

برای سنجش پرخاشگری از پرسشنامه پرخاشگری **بأس** و پری (۱۹۹۲)، استفاده شده است. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیرمقیاس است، که عبارت است از پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت.

#### ب) پرسشنامه خودباوری:

این پرسشنامه توسط **اسمیت** (۱۹۷۶)، تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۹ آیتم می باشد. در این پرسشنامه به منظور آن که تردیدی در صداقت پاسخ‌های به وجود نیاید یک مقیاس دروغ سنجی در آزمون ابداع شده است که سوالات شماره ۱، ۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳ و ۳۳ مقیاس دروغ سنج را تشکیل می دهد. برای سنج مؤلفه‌های خود باوری (عزت نفس و کارآمدی شخصی) در این پرسشنامه به ترتیب ۱۸ و ۲۴ سؤال در نظر گرفته شده است.

#### ج) پرسشنامه اختلال سلوک:

پرسشنامه (CSI-4) یک مقیاس درجه بندی رفتار است که اولین بار در سال ۱۹۸۴ توسط **اسپیرافکین** و گادو به منظور غربالگری اختلال‌های رفتاری و هیجانی طراحی شده و شامل دو فرم والد و معلم است و به ترتیب حاوی ۱۱۲ و ۷۷ سؤال و ۹ گروه عمده از اختلال‌های رفتاری را در بر می گیرد. اما ما در این پژوهش به اختلال سلوک به اقتضای شرایط موجود در جامعه خواهیم پرداخت. پرخاشگری: منظور نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه **بأس** و پری (۱۹۹۲)، کسب می کند. اختلال سلوک: منظور نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه اسپیرافکین و گادو (۱۹۸۴)، کسب می کند. خودباوری: منظور نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه اسمیت (۱۹۷۶)، کسب می کند.

### ۲-۲- تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش حاضر از نرم افزار SPSS۲۲ و از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح توصیفی، از جداول و نمودار فراوانی و درصد فراوانی، محاسبه میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی نیز در راستای سوالات پژوهش که مبتنی بر مقایسه نمرات در دو گروه کنترل و آزمایش بوده است و بعد از بررسی پیش فرض‌های آزمون‌های پارامتریک، از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (MANCOVA) استفاده شد. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش حاضر به آن‌ها اطمینان داده شده است که اطلاعات مرتبط با ایشان به صورت محرمانه باقی خواهد ماند و نتایج به صورت گروهی بررسی می شود و هر



زمان که بخواهند می توانند از ادامه کار انصراف دهند و نتیجه‌ی درمان کمکی در جهت بهبود مشکلات روان‌شناختی روزمره در زندگی آن‌ها خواهد شد.

## یافته‌های استنباطی

در این بخش با استفاده از آزمون‌های آماری به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. این پژوهش دارای ۳ متغیر وابسته (پرخاشگری و اختلال سلوک و خودباوری) و ۱ متغیر آزمایشی آموزش هوش هیجانی می‌باشد. گروه آزمایش تحت آموزش قرار گرفتند و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. برای مقایسه ۲ گروه مورد مطالعه به منظور کنترل آماری اختلافات اولیه (پیش آزمون) از تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شد.

فرضیه اصلی: آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

جدول ۲: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن در متغیرهای وابسته

متغیر	گروه‌ها	آزمون	آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری
پرخاشگری	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۲	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۲	۱۵	۰/۲۰
	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۶	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۹	۱۵	۰/۱۱
اختلال سلوک فرم والدین	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۵	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۲۲	۱۵	۰/۰۵
	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۴	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۲۱	۱۵	۰/۰۶
اختلال سلوک فرم معلمان	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۷	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۶	۱۵	۰/۲۰
	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۲	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۳	۱۵	۰/۲۰
خودباوری	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۵	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۵	۱۵	۰/۲۰
	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۱	۱۵	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۸	۱۵	۰/۱۸

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد مفروضه‌ی نرمال بودن در متغیرهای پرخاشگری و اختلال سلوک و خودباوری در ۲ گروه در هر ۲ مرحله اندازه گیری با سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ ( $p > 0.05$ ) تأیید شد.

جدول ۳: آزمون F لوین برای بررسی مفروضه یکسانی واریانس‌های خطا در متغیرهای وابسته در ۲ گروه مورد مطالعه

متغیرها	شاخص‌های آماری		
	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F
پرخاشگری	۱	۲۸	۱/۳۵
سلوک (والد)	۱	۲۸	۱/۶۹
سلوک (معلم)	۱	۲۸	۲/۹۳

۰/۲۱

۱/۶۳

۲۸

۱

خودباوری

در جدول ۳ نتیجه‌ی آزمون لوین جهت بررسی مفروضه‌ی همگنی واریانس‌های خطا آورده شده است. براساس نتایج مندرج، مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها در متغیرهای وابسته با سطح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۵ تأیید می‌شود. ( $P > 0.05$ ).  
جدول ۴: آزمون واریانس برای بررسی شیب رگرسیون در متغیرهای وابسته

منبع تغییرات	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
گروه* پیش آزمون	پرخاشگری	۱/۶۹	۲	۰/۰۹	۰/۹۰
	سلوک (والد)	۰/۵۰	۲	۰/۳۲	۰/۷۲
	سلوک (معلم)	۱/۴۰	۲	۰/۹۴	۰/۴۰
	خودباوری	۴/۲۶	۲	۲/۹۸	۰/۰۷

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، آزمون واریانس برای بررسی شیب رگرسیون در متغیرهای پرخاشگری و اختلال سلوک و خودباوری با سطح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۵ تأیید شد. ( $p > 0.05$ ).

جدول ۵: آزمون ام باکس برای بررسی مفروضه برابری ماتریس‌های واریانس کوواریانس

شاخص‌های آماری				
ام باکس	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F	سطح معناداری
۱۲/۶۸	۱۰	۳۷۴۸/۰۰	۱/۰۷	۰/۳۸

در جدول ۵ نتیجه‌ی آزمون ام باکس جهت بررسی مفروضه‌ی برابری ماتریس واریانس-کوواریانس آورده شده است. براساس نتایج مندرج، این فرضیه با سطح معنی داری ۰/۳۸ تأیید می‌شود ( $p > 0.05$ ).

جدول ۴-۸- نتایج آزمون کوواریانس چند متغیری برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه آزمودنی در متغیرهای وابسته

منابع	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	Sig	ضریب اپتا
اثر پیلایی	۰/۸۷	۳۷/۵۰	۴	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷
لامبدای ویلکز	۰/۱۲	۳۷/۵۰	۴	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷
اثر هوتلینگ	۷/۱۴	۳۷/۵۰	۴	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷
بزرگ‌ترین ریشه روی	۷/۱۴	۳۷/۵۰	۴	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری ۴-۸- برای مقایسه بین دو گروه آزمایش و کنترل متغیرهای پرخاشگری و اختلال سلوک و خودباوری نشان می‌دهد که بین دو گروه با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ اختلاف معنی داری وجود دارد ( $P < 0.01$ ); یعنی اثر آموزش هوش هیجانی بر ترکیب خطی ۴ متغیر وابسته معنی دار بوده است. برای اینکه مشخص شود آموزش هوش هیجانی روی کدام یک از متغیرها معنی دار بوده است نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری در جداول زیر آورده شده است.  
فرضیه اصلی اول: آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

جدول ۶: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای مقایسه ۲ گروه مورد مطالعه در متغیر پرخاشگری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
پیش آزمون	۷۱۴/۷۷	۱	۸۹/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱/۰۰
گروه	۲۶۲/۲۹	۱	۳۲/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۵۷	۱/۰۰
خطا	۱۹۲/۴۱	۲۴				
کل	۴۳۲۷۲۸/۰۰	۳۰				

با توجه به نتایج جدول ۶ ( $F=۳۲/۷۱$   $P<۰/۰۱$ )، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر پرخاشگری در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۱۱۶/۸۳ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۱۲۳/۰۳ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش هوش هیجانی در کاهش پرخاشگری دختران نوجوان شهرستان نطنز تأثیر مثبت دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۵۷ درصد از واریانس متغیر پرخاشگری را پیش بینی می‌کند.

فرضیه اصلی دوم: آموزش هوش هیجانی بر اختلال سلوک از نظر والدین در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

جدول ۷: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای مقایسه ۲ گروه مورد مطالعه در متغیر اختلال سلوک (والد)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
پیش آزمون	۷۳/۲۹	۱	۱۰۰/۶۳	۰/۰۰۱	۰/۸۰	۱/۰۰
گروه	۱۱/۷۵	۱	۱۶/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۹۷
خطا	۱۷/۴۸	۲۴				
کل	۱۱۰۱۲/۰۰	۳۰				

با توجه به نتایج جدول ۷ ( $F=۱۶/۱۳$   $P<۰/۰۱$ )، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر اختلال سلوک از نظر والدین در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۱۸/۴۱ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۱۹/۷۲ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که از نظر والدین آموزش هوش هیجانی در کاهش اختلال سلوک دختران نوجوان شهرستان نطنز تأثیر دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۴۰ درصد از واریانس متغیر اختلال سلوک را پیش بینی می‌کند.

فرضیه اصلی سوم: آموزش هوش هیجانی بر اختلال سلوک از نظر معلمان در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

جدول ۸: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای مقایسه ۲ گروه مورد مطالعه در متغیر اختلال سلوک (معلمین)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
پیش آزمون	۴۴۵/۵۴	۱	۶۰۲/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۹۶	۱/۰۰
گروه	۲۲/۵۶	۱	۳۰/۵۳	۰/۰۰۱	۰/۵۶	۱/۰۰
خطا	۱۷/۷۳	۲۴				
کل	۳۸۰۵۱/۰۰	۳۰				



با توجه به نتایج جدول ۸ ( $F=30/53$   $P<0/01$ )، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر اختلال سلوک از نظر معلمین در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۳۴/۴۵ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۳۶/۲۷ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که از نظر معلمین آموزش هوش هیجانی در کاهش اختلال سلوک دختران نوجوان شهرستان نظنز تأثیر دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۵۶ درصد از واریانس متغیر اختلال سلوک را پیش‌بینی می‌کند.

فرضیه اصلی چهارم: آموزش هوش هیجانی بر خودباوری در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

جدول ۹: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای مقایسه ۲ گروه مورد مطالعه در متغیر خودباوری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
پیش‌آزمون	۶۷۱/۰۸	۱	۸۰۷/۳۳	۰/۰۰۱	۰/۹۷	۱/۰۰
گروه	۷۷/۱۷	۱	۹۲/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۷۹	۱/۰۰
خطا	۱۹/۹۵	۲۴				
کل	۶۸۴۴۵/۰۰	۳۰				

با توجه به نتایج جدول ۴۹ ( $F=92/84$   $P<0/01$ )، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر خودباوری در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۴۹/۱۸ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۴۵/۸۲ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش هوش هیجانی در افزایش خودباوری دختران نوجوان شهرستان نظنز تأثیر دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۷۹ درصد از واریانس متغیر خودباوری را پیش‌بینی می‌کند.

## بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر شهرستان نظنز انجام گرفته است. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای پژوهش توانسته‌اند هوش هیجانی را تبیین کنند.

فرضیه اصلی: آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری و اختلال سلوک و خود باوری در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری برای مقایسه بین دو گروه آزمایش و کنترل متغیرهای پرخاشگری و اختلال سلوک و خودباوری نشان می‌دهد که بین دو گروه با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ اختلاف معنی‌داری وجود دارد ( $P>0/01$ )؛ یعنی اثر آموزش هوش هیجانی بر ترکیب خطی ۴ متغیر وابسته معنی‌دار بوده است.

فرضیه اصلی اول: آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

با توجه به نتایج ( $F=71/32$   $P<0/01$ )، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر پرخاشگری در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۱۱۶/۸۳ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۱۲۳/۰۳ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش هوش هیجانی در کاهش پرخاشگری دختران نوجوان شهرستان نظنز تأثیر مثبت دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۵۷ درصد از واریانس متغیر پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند.

فرضیه اصلی دوم: آموزش هوش هیجانی بر اختلال سلوک از نظر والدین در نوجوانان دختر تأثیر دارد. با توجه به نتایج ( $P < 13/16F0/01$ )، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر اختلال سلوک از نظر والدین در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۱۸/۴۱ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۱۹/۷۲ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که از نظر والدین آموزش هوش هیجانی در کاهش اختلال سلوک دختران نوجوان شهرستان نطنز تأثیر دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۴۰ درصد از واریانس متغیر اختلال سلوک را پیش بینی می‌کند.

فرضیه اصلی سوم: آموزش هوش هیجانی بر اختلال سلوک از نظر معلمان در نوجوانان دختر تأثیر دارد. با توجه به نتایج جدول (۴-۱۱) ( $P < 53/30F0/01$ )، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر اختلال سلوک از نظر معلمان در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۳۴/۴۵ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۳۶/۲۷ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که از نظر معلمان آموزش هوش هیجانی در کاهش اختلال سلوک دختران نوجوان شهرستان نطنز تأثیر دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۵۶ درصد از واریانس متغیر اختلال سلوک را پیش بینی می‌کند.

فرضیه اصلی چهارم: آموزش هوش هیجانی بر خودباوری در نوجوانان دختر تأثیر دارد.

با توجه به نتایج ( $P < 84/92F0/01$ )، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین ۲ گروه آزمایش و کنترل در متغیر خودباوری در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. میانگین تعدیل شده گروه آزمایش در این متغیر ۴۹/۱۸ و میانگین تعدیل شده گروه کنترل در این متغیر ۴۵/۸۲ بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش هوش هیجانی در افزایش خودباوری دختران نوجوان شهرستان نطنز تأثیر دارد. با توجه به اندازه اثر متغیر آموزش هوش هیجانی ۷۹ درصد از واریانس متغیر خودباوری را پیش بینی می‌کند.

### نتایج:

در تبیین این یافته‌ها (فرضیه اصلی اول، اصلی دوم، اصلی سوم و اصلی چهارم) می‌توان گفت، سالهای نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌آید. در این دوره نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی و به خصوص تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجود خویشستن، و خود آگاهی انتخاب اهداف واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، حفظ تعادل روانی و عاطفی خویش در مقابل عوامل فشارزای زندگی و محیط و برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت‌های اجتماعی لازم در دوست یابی، شناخت زندگی سالم و مؤثر و چگونگی برخورداری از آن مهمترین نیازهای نوجوان می‌باشد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲). گلמן (۱۹۹۹) معتقد است کسانی که بتوانند در تعاملات فردی و بین فردی از هیجان‌ات خود در موقعیت مناسب و با آگاهی و شناخت و کنترل آن بهره‌برند کسانی هستند که از موفقیت و سازگاری بیشتری در روابط فردی و بین فردی برخوردارند. این در حالی است که هوش هیجانی که بر گرفته از شناخت و هیجان‌ات افراد است می‌تواند بر رفتارهای پرخاشگرانه، تکانشی و کنترل خشم افراد اثر گذار باشد.

پرخاصگری به هر گونه رفتار معطوف به هدف آسیب رساندن یا مجروح ساختن موجودی دیگر که به منظور اجتناب از رفتاری مشابه بر انگیخته می‌شود، اطلاق می‌گردد. تقریباً نیمی از رویدادهای خشم، فریاد کشیدن یا جیغ کشیدن را شامل می‌شود و نزدیک ۱۰٪ رویدادهای خشم به خشونت و پرخاصگری منجر می‌شود که مبنای آن هیجان خشم است. تحقیقات نشان داده که به کمک هوش

هیجانی می‌توان هیجان‌ها را مدیریت و رفتار پرخاشگرانه را کاهش داد (شریفیان، ۱۳۹۴). رحیمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی بیان کرد که آموزش هوش هیجانی بر اختلال سلوک تأثیر دارد.

واژه اختلال سلوک یک رشته رفتارهای پایدار چون اعمال پرخاشگرانه، سرقت، خرابکاری، حریق عمدی، دروغ‌گویی، ولگردی، و فرار را در بر می‌گیرد که با زمان تکامل می‌یابد. اگر چه این رفتارها گوناگون هستند، ویژگی آنها زیر پا گذاشتن مقررات و انتظامات اجتماعی و نقض حقوق دیگران است.

با توجه به مطالب ذکر شده، یکی از مشکلاتی که ممکن است در گروهی از نوجوانان در مدارس مشاهده شود، مشکلات خود باوری و رفتارهای پرخاشگرانه است که این امر در این دوره سنی همواره مورد توجه محققان بوده است. با این وجود هر چند طی چند دهه گذشته علاقه و توجه به رشد عاطفی، اجتماعی و رفتاری دوره نوجوانی بیش از پیش افزایش یافته است، اما پیش از این والدین، متخصصان، پژوهشگران و مربیان تعلیم و تربیت بر این باور بودند که مشکلات این افراد ناشی از نارسایی‌های رشدی آنها است و این گروه از نوجوانان این مشکلات را پشت سر خواهند گذاشت، واقعیت این است که دوران نوجوانی دورانی است که با رشد و تغییرات جسمی و روانشناختی بسیاری همراه است، از این رو ناپایداری‌های رفتاری را می‌توان برای آنان انتظار داشت، با این وجود کاملاً روشن است که بسیاری از دانش آموزان در سالهای مدرسه مشکلات خوباوری دارند و در طی زمان و شاید تا دوران جوانی و حتی بزرگسالی نیز مشکلاتشان ادامه خواهد یافت.

بنابراین توجه به سلامت نوجوانان از دوران تحصیل دارای اهمیت است و بایستی عوامل تأثیر گذار بر خودباوری و رفتارهای پرخاشگرانه شناسایی شوند. از سوی دیگر کریمی (۱۳۸۹)، بر این باور است که فضای مدرسه نوعاً شرایطی پیچیده، متغیر و اغلب غیر قابل پیش بینی است که دانش آموزان مجبورند با محرک‌های چندگانه و انتظارات رفتاری متنوع انطباق حاصل نموده و همزمان، با تکالیف درسی‌ای که هر روز به آنها ارائه می‌شود سازگار شوند، از آنها انتظار می‌رود بدانند در شرایط متغیر چگونه به صورت مناسبی رفتار کنند، چنین موقعیتهای دقیق، تحمیلی و آمانه می‌توانند برای هر دانش آموزی چالش برانگیز باشد. اگر مدرسه در جستجوی ارائه‌ی شیوه‌های مداخله گرانه‌ی مناسب نباشد، سرنوشت این دانش آموزان شکست در مدرسه و اجتماع خواهد بود.

### پیشنهادهای کاربردی

با توجه به اهمیت موضوع پژوهش و همچنین نتایج حاصل از پژوهش توصیه می‌شود که:

- ارائه دروسی با محتوای آموزش هوش هیجانی در مدارس می‌تواند تا حد زیادی بر کاهش پرخاشگری کلامی و بدنی و رفتارهای خشن در نوجوانان تأثیر داشته باشد.

- پیشنهاد می‌گردد، آموزش عمومی هوش هیجانی در مراکز آموزشی و تربیتی انجام گیرد.
- پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های مداخلات روانی مراکز مشاوره خانواده، آموزش مهارت‌های هوش هیجانی برای مادران نیز گنجانده شود.
- برنامه‌های آموزشی هوش هیجانی، برای کاهش ضعف مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان مبتلا به اختلال سلوک، در مدارس و خانواده توسط روان شناسان و مشاورین، برنامه ریزی و مورد توجه قرار گیرد.
- مادران به عنوان محور اساسی سلامت خانواده و جامعه محسوب می‌شوند و هر گونه شرایطی که منجر به شاد زیستن و داشتن روحیه مثبت در آنان گردد، کل جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارائه خدمات روان درمانی به مادران خانواده از طریق ضروری به نظر

می‌رسد، زیرا در این راستا آنها یاد می‌گیرند که چگونه با فراگیری آموزش هوش هیجانی بحران ایجاد شده مقابله نموده و پرخاشگری را کاهش داده و خودباوری را در فرزندان افزایش دهند.

## منابع و مراجع:

- رحیمی، ناهید. (۱۳۹۴). رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی مادران با نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای و اختلال سلوک فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- رضاییان، علی. (۱۳۸۱). رابطه بین عزت نفس و نیاز به کسب موفقیت کارکنان در سازمان‌های دولتی شهر کرمان. دانشگاه آزاد کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- سادوک و سادوک. (۲۰۰۷). ترجمه رضایی، فرزین. (۱۳۸۹). خلاصه روانپزشکی، علوم رفتاری/ روانپزشکی بالینی، تهران: انتشارات ارجمند.
- شریعتی مقدم، زینب. (۱۳۹۷). بررسی سهم مهرورزی و هوش هیجانی بر پرخاشگری نوجوانان. کارشناسی ارشد، موشه آموزش عالی حکمت رضوی.
- شریفیان، صلاح. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین پرخاشگری و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بوکان، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی رشد، نوجوانی و بلوغ نوجوانی. چاپ پیام نور.
- کریمی، فرید. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر اختلالات رفتاری کودکان دبستانی. مجله علوم پزشکی دانشگاه ایلام، دوره ۱۸، شماره ۳، ۶۱-۶۸.
- کریمی، محمد. (۱۳۸۵). در جستجوی ریشه‌ها.
- گلمن، دانیل. (۱۹۹۵). هوش هیجانی (توانایی صحبت کردن و محبت دیدن)، نسرین، پارسا. (۱۳۹۳). تهران: رشد.
- محمدی، زهره. (۱۳۹۶). نقش پیش بینی کنندگی هوش هیجانی برای سازگاری (فردی و اجتماع) و پرخاشگری دانش آموزان پایه نهم متوسطه اول ناحیه شیراز. کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۳۸. محیط، عبدالحسین. اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر سازگاری اجتماعی و رفتاری نوجوانان مراکز شبانه روزی شیراز، کارشناسی ارشد، دانشگاه ارسنجان.
- مرتضوی، حمید. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی، خودباوری، اضطراب با خلاقیت معلمان مدارس مقطع متوسطه شهر کرمان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ و ارائه یک مدل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

Mishel, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. (2017). Emotional intelligence: New ability or eclectic mix of traits? *American Psychologist*, 63, 513-517.

Punia, S. and Sangwan, S. (2016). Emotional Intelligence and Social Adaptation of School Children, *J Psychology*, 2(2): 83-87.